

آن حادثه کوبنده چیست؟

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، بخش اول سوره مبارک قارعه را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «**القارعه، ما القارعه، وما أدراك ما القارعه، يوم يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَارِشِ الْمَثْبُوثِ، وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْقُوشِ.**» آن حادثه کوبنده، آن حادثه کوبنده چیست؟ توجه دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ روزی که مردم مانند پروانه ها پراکنده باشند و کوه ها مانند پشم رنگارنگ زده شده درمی آیند.»

در این سوره، از حادثه ای کوبنده و سخت با نام «قارعه» صحبت می‌شود که یکی از نام های قیامت است، زیرا روز قیامت با صیحه ای کوبنده آغاز می‌شود و عذاب آن نیز کوبنده است. قیامت، قیامت، کوبنده مستکبران و روحیه های متکبرانه است. فراتر از فکر بشر است. روز تحیر و سرگردانی بشر است و حتی پیامبر اسلام (ص)، بدون بیان الهی از آن خبر ندارد، روزی که قلب های مردم می‌کوبد و انسان ها مانند حشراتی که دور چراغ می‌گردند، سرگردان و پراکنده می‌شوند و کوه های رنگارنگ در اثر قطعه قطعه شدن و خرد و خاک شدن، مثل پشمی که زده شده است، در هوا پراکنده می‌شوند.

در روایات و تفاسیر قرآن کریم آمده است که ویژگی های بهشت و نعمت های آن و نیز جهنم و عذاب های آن، به گونه ای بیان شده که انسان در دنیا دیده است و درک می‌کند و مثال هایی برای آن زده شده است که برای مردم قابل فهم باشد، یعنی قصرها و میوه ها و رودها و همچنین آتش و زنجیر و تازیانه برای این بیان شده که انسان، فراتر از آن راندیده و درک نکرده است. اما فردای قیامت فراتر از این مثال هاست و همان طور که پاداش انسان به گونه ای است که در این دنیا ندیده است، عذاب گنهکاران نیز بسیار سخت خواهد بود.

حکمت

به چیزی تکیه کن که نمی‌شکند

علیرضا وکیلی| زندگی همیشه مطابق برنامه ما پیش نمی‌رود، گاهی یک خبر، یک بیماری، یک شکست شغلی یا حتی یک دلخوری ساده، تمام معادلاتمان را به هم می‌ریزد. حال سؤال اینجاست که وقتی زمین زیر پایمان می‌لرزد، به چه چیزی باید تکیه کنیم؟

حضرت امیرالمؤمنین امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، بعد از سفارش به یاد کردن دل، می‌فرماید: «**وَاعْتَصِمُ بِخَبِيلِهِ**، به ریسمان خدا چنگ بزن!» امام(ع) نمی‌گویند فقط خدا را دوست داشته باش، بلکه می‌گویند به او چنگ بزن. «اعتصام» در زبان عربی یعنی محکم گرفتن چیزی که انسان را از سقوط حفظ می‌کند. انگار کسی درحال لغزیدن است و طنابی محکم، او را نگه می‌دارد.

مشکل بسیاری از ما این است که تکیه‌گاهمان، چیزهایی است که خودشان ثابت ندارند؛ گاهی به پول دل می‌بندیم، اما بازار تغییر می‌کند. گاهی به موقعیت شغلی تکیه می‌کنیم، اما یک تصمیم همه چیز را عوض می‌کند. گاهی تمام امیدمان به تأیید دیگران است و با یک انتقاد، فرومی‌ریزیم. وقتی تکیه‌گاه‌ها موقت باشند، اضطراب هم دائمی خواهد بود.

قرآن کریم همین حقیقت را با تعبیری روشن بیان می‌کند: «**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**». (آل عمران ۱۰۳)، ریسمان الهی، همان پیوندی است که انسان را از پراکندگی، ترس و سرگردانی نجات می‌دهد.

این به معنای کنار گذاشتن تلاش و برنامه ریزی نیست. مؤمن کار می‌کند، برنامه می‌ریزد و از تجربه دیگران استفاده می‌کند. اما دلش را به این ابزارها گره نمی‌زند. او می‌داند که همه این‌ها وسیله‌اند، نه تکیه‌گاه.

شاید بتوان این فراز را این گونه خلاصه کرد: کشتی برای حرکت به باد نیاز دارد. اما برای غرق نشدن به لنگر. امکانات زندگی، بادبان‌اند، ایمان و اعتماد به خدا، لنگر زندگی است.

اگر این لنگر محکم باشد، در طوفان‌ها سرعت حرکت ما را کم می‌کند، اما مسیرمان را گم نمی‌کنیم.



احکام

حکم شرعی عمل نکردن به

قوانین راهنمایی‌وراندگی

سمانه رضوانی| از منظر فقه اسلامی، عمل نکردن به قوانین راهنمایی‌وراندگی چه حکمی دارد؟ آیا این تخلفات صرفاً یک مسئله قانونی و انتظامی است یا اینکه در شرع نیز، نهی و منع برای آن وجود دارد؟ با توجه به اینکه قوانین راهنمایی‌وراندگی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی به تأیید شورای نگهبان می‌رسد و جنبه حکومتی دارد و نیز با عنایت به لزوم حفظ نظم عمومی و جان و مال مسلمانان، این پرسش مطرح می‌شود که وظیفه شرعی در قبال این مقررات چیست. با ادامه، نظرات برخی مراجع عظام تقلید در این باره گفته می‌شود.

حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای:

به‌طورکلی مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به‌طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته‌اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوط وضع شده‌اند، برای هیچ‌کس جایز نیست.

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم‌شیرازی:

تخلف از قوانین راهنمایی‌وراندگی در نظام اسلامی و سرعت و سبقت غیرمجاز، حرام شرعی است. قرار از قوانین راهنمایی‌وراندگی، خلاف شرع است. بارها گفته‌ایم که عمل برخلاف قوانین جمهوری اسلامی، از نظر شرعی حرام است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی:

اگر قانون مذکور برای مصلحت عموم لازم باشد، مخالفت با آن جایز نیست. مخالفت با قوانین دولت در چند مورد جایز نیست؛ اگر موجب اخلال در نظام جامعه باشد، مانند قوانین راهنمایی‌وراندگی.

شکر

شبهه ۴۵۵
۲۳ آبان ۱۳۹۸
شماره ۲۸۸

SHAHIRANEWS.IR



معارف

مروری بر آثار اعجاز گونه ذکر در دوری از گناه

هم نشین خدا، گناه نمی‌کند

آمنه مستقیمی| یاد خدا که در فرهنگ و آموزه‌های دینی از آن به «ذکر» تعبیر می‌شود، همچون نسیم روح بخشی است که دل و جان آدمی را جلا و او را به مسیر رسیدن به احسن الحال سوق می‌دهد. این جلای دل و صفای باطن، بیش از هر چیز به‌دلیل تأثیر شگرفی است که یاد خدا بر ترک گناه و بی‌رغبتی و بی‌میلی انسان به آن دارد. در ادامه اعجاز ذکر و یاد خدا را مرور می‌کنیم.

گزارش

ریشه همه آثار اخلاقی اجتماعی عبادت

یکی از والاترین دلالت‌ها و هدایت‌های قرآنی و روایات اهل بیت (ع)، دعوت به یاد خداست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» و قطعاً یاد خدا بالاتر است. «عنکبوت، ۴۵» ازسوی دیگر، ریشه همه آثار معنوی و اخلاقی و اجتماعی که در عبادت هست، در یک چیز یافت می‌شود، یاد خدا کردن و غیر او را از یاد بردن. باید توجه کرد که هدف عبادت، ذکر و یاد خداست و این یاد، دل را جلا می‌دهد و آماده تجلیات الهی می‌کند؛ البته میزان تأثیر ذکر بر روح و جان انسان، به کیفیت، استمرار و چگونگی ذکر بستگی دارد.

ذکر، محدود به زمان و مکان نیست

قرآن کریم ذکر را محدود به زمان و مکان نمی‌داند و می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»؛ آنان که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلوخفته، یاد می‌کنند. «آل عمران ۱۹۱» یا آنکه می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»؛ آن‌ها که پیوسته در نماز هستند. «معارف/ ۲۲» این آیات نشان می‌دهد که در هرحالی می‌توان به یاد خدا بود. قرآن کریم هم در وصف مؤمنان، آنان را را «دائم‌الذکر» می‌خواند و همچنین حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «مؤمن، پیوسته در نماز است.» (ترجمه غررالحکم ودرر الکلم، ج یک، ص ۱۲۱)

روح را آینه صفات خدا می‌کند

یاد خدا روح را به‌سوی خیرات و نیکی‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها و زشتی‌ها، پیراسته و آن را برای انجام تکالیف اخلاقی آماده می‌کند. به تعبیر دیگر، یاد خدا باعث می‌شود روح و جان انسان، بازتاب صفات زیبای خداوند شود. در چنین حالتی دیگر انسان نه تنها گناه نمی‌کند، بلکه تمایلی هم به آن ندارد و گناه و خطا را برنمی‌تابد. ذکر، سبب تقوا یعنی اصلی‌ترین عامل بازدارنده انسان از گناه است؛ برای همین هم دشمن قسم‌خورده انسان یعنی شیطان، دائم در تلاش است که آدمی را از یاد خدا و ذکر او دور کند.

من هم نشین کسی هستم که مرا یاد می‌کند

ذکر و یاد خدا به انسان، فرصت هم‌نشینی و انس با خدا را می‌دهد. خداوند در حدیث قدسی به حضرت موسی (ع) فرموده است: «ای موسی! من هم‌نشین کسی هستم که مرا یاد کند.» کسی که هم‌نشین و انیس خدا شد، دیگر سمت گناه و خطا نمی‌رود. اگر هم به آن دچار و مبتلا شد، بلافاصله توبه می‌کند و راه بازگشت را در پیش می‌گیرد؛ چون ذکر دائم و پیوسته، محبت خدا را در دل انسان می‌نشانند و او حاضر نیست محبوب را برنجانند و کاری کند که او راضی نیست. به عبارت دیگر در سایه فضای عاطفی که ذکر، بین خدا و بنده ایجاد می‌کند، انسان نه از سر اجبار و ترس بلکه قلباً از گناه تنفر پیدا می‌کند.

واکسیناسیون روحی انسان

بهترین راه برای رهایی یافتن از وسوس و نقشه‌های شوم شیطان، پناه بردن به خدا و یاد اوست. هنگامی که حق آمد، باطل ناپود خواهد شد: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» حق آمد و باطل ناپود شد؛ آری باطل همواره نابودشدنی است. (اسراء، ۸۱) معمولاً انسان در هر مرحله‌ای از ایمان و در هر سن و سالی، می‌تواند گرفتار وسوسه‌های شیطان شود و گاه نیروی محرک شیدی از درون، او را به‌سوی گناه دعوت می‌کند. این وسوسه‌ها و تحریک‌ها در سنین جوانی بیشتر است. قرآن راه واکسینه شدن مقابل این وسوسه‌ها را نشان می‌دهد و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكُّرًا وَفَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» درحقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به آن‌ها برسد [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا شوند. «(اعراف، ۲۰۱)

راه به خاک مالیدن بینی شیطان

انسان با ذکر و یاد خداوند متعال، بینی شیطان را به خاک می‌مالد و نقشه‌های او برای به گناه کشاندن انسان را خنثی می‌کند. از امیرالمؤمنین امام علی (ع) است که: «یاد خدا سبب تقویت ایمان و محفوظ ماندن از شیطان است.» (ترجمه غررالحکم ودرر الکلم، ج یک، ص ۲۲۲) این یعنی انسان تا به یاد خداست، گناه نمی‌کند، بلکه زمانی مرتکب گناه می‌شود و زندگی خود را مبتلا به آثار سوء آن می‌کند که به‌کلی خدا را فراموش کند.

(تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹۹)

قدم اول برای نجات

آیت‌الله جوادان، از استادان اخلاق، درباره تأثیر یاد خدا بر ترک گناه، می‌گوید: «اگر انسان به یاد خدا باشد، از گناه پرهیز می‌کند. اگر انسان به یاد قیامت باشد، از گناه پرهیز می‌کند. این قدم اول برای اینکه انسان را نجات دهد، کافی است. این قدم اول و این مقدار از یاد خدا برای اینکه انسان را نجات دهد و به آخر برساند، کافی است. یعنی اگر انسان مقاومت جدی در برابر گناه را به آخر برساند، اهل نجات است. کمترین هم می‌شود اما اینجا مطمئناً آدم می‌تواند از پل مرگ به سلامت بگذرد. آدمی که همیشه در برابر گناه مقاومت می‌کرده و می‌جنگیده و مغلوب نمی‌شده، از پل مرگ به سلامت می‌گذرد..... آدمی که در برابر گناه مقاومت می‌کند، می‌تواند امیدوار باشد که آخرین لحظات عمرش را هم در برابر شیطان، مقاومت و به سلامت عبور می‌کند. اگر اینجا هم به سلامت عبور کرد، آن طرف اهل نجات است دیگر.»

وقتی نیت، وزن عمل را تعیین می‌کند

منفجر شد، از وقتی که بار اول بر زمین افتادم - که البته نفهمیدم چطور شد که افتادم - تا وقتی که به‌کلی بیهوش شدم، سه مرتبه، برای لحظاتی به هوش آمدم و هر دفعه هم یک احساسی داشتم. آن حالات، هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود. حالا یکی را عرض می‌کنم. در یکی از حالات، احساس کردم که دارم می‌روم؛ یعنی احساس کردم که مرگ درمقابل من است. کاملاً در آن مرز عالم برخ، خودم را دیدم و احساس کردم که در آن حال، انسان هیچ دستاویزی به جز خدا ندارد؛ هیچ دستاویزی؛ یعنی هرچه هم عمل پشت‌سر خودش داشته باشد، باز اگر نتواند تفضل الهی و رحمت خدا را جلب کند، خاطرجمع به آن عمل نیست. آدم شک می‌کند؛ آیا این عمل خالی است و چیزی ندارم و محتاجم! اگر تفضلی بکنی، کرده‌ای را با اخلاص به جا آوردم؟ آیا نیتم صد درصد، خدایی بود؟ آیا در آن شرک و ریا نبود؟ آیا ملاحظه این و آن نبود؟

به هر حال، ماها مرکز عیوبیم، متأسفانه، همه شائبه‌ها در ما هست. آنجا انسان احساس می‌کند که مثل پر کاهی بین زمین و آسمان است. از همه چیز منقطع می‌شود. من این حالت انقطاع را در آن وقت احساس کردم و پیش خدای متعال، تضرع نمودم و گفتم: پروردگارا! می‌بینی که من چقدر دستم خالی است و چیزی ندارم و محتاجم! اگر تفضلی بکنی، کرده‌ای وَاَلا ما رفته‌ایم، منظورم مردن نبود؛ رفتن از وادی سعادت بود. بعد، بیهوش شدم و چیزی نفهمیدم.»

این روایت به‌خوبی نشان می‌دهد که حتی در لحظه‌های خطیر، انسان مؤمن بیش از هر چیز نگران اخلاص عمل خویش است، نه صرفاً داشتن عمل، زیرا آنچه در نهایت انسان رانجات می‌دهد، ظاهر کارهای انجام‌شده نیست، بلکه قبولی آن‌ها در پیشگاه خداوند است و یکی از شرط‌های مهم این قبولی، اخلاص است.

می‌تواند مصداق ریا و حتی زمینه‌ساز شرک باشد. گاهی نیز انسان کاری خیر انجام می‌دهد، اما نه برای خدا، بلکه برای آرام کردن تمایلات نفسانی، کسب موقعیت اجتماعی یا رضای حس درونی. این‌گونه اعمال، هرچند در ظاهر پسندیده‌اند، در نظام پادشاهی الهی، اگر پشتوانه اخلاص نداشته باشند، ارزشی ندارند. در منطق عبودیت فقط عملی پذیرفته می‌شود که انسان در آن فقط رضایت خدا را بخواهد. حتی اگر آن عمل، رضایت بسیاری از مردم را هم در پی نداشته باشد. چه بسا کاری از نظر جامعه کم‌اثر یا بی‌اهمیت تلقی شود، اما چون با نیت الهی انجام شده است، در محاسبه پروردگار و چشم خدا از ارزش والایی برخوردار باشد.

حکمت علوی: عطیه الهی به اندازه نیت هاست

از همین جامع‌ای این جمله حکیمانه حضرت امیرالمؤمنین (ع) روشن می‌شود که: «عَلَىٰ قَدَرِ نَيْتِهِ تَكُونُ مِّنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ»؛ پاداش و عطای الهی، به اندازه نیت است.»

یعنی در منطق الهی، ارزش نیت تعیین‌کننده میزان عطا و پاداش است. گاه انسان نمی‌تواند کارهای بزرگ انجام دهد، در اینجا باید گفت که می‌تواند کارهای کوچک را با نیت‌های بزرگ انجام دهد و همین، راهی است برای رسیدن به عطای عظیم الهی.

لحظه انقطاع و تردید درباره اخلاص

رهبر شهید انقلاب، آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، در خاطره‌ای که از لحظه سوء قصد در مسجد ابودر از ایشان نقل شده است، به نکته‌ای بسیار تکان‌دهنده اشاره می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «وقتی که در مسجدی که من بودم بمب



چهره جلال‌الدین محمد باقر
نویسنده و فعال فرهنگی

یار نماز

عملی که برای دیده شدن باشد، از مدار ارزش خارج است
اگر کسی کاری را انجام دهد تا مردم بگویند «فلانی آدم خوبی است»، چنین عملی نه‌تنهایی ارزش است، بلکه در برخی مواقع